

## کاوشی در صورت و محتوای نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف (بر اساس رویکرد سبک‌شناسی ساختارگرا)

فاطمه بشارتی<sup>۱</sup>، حسن عبدالهی<sup>۲</sup>، سید حسین سیدی<sup>۳</sup>، مرضیه آباد<sup>۴</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۳۰)

### چکیده

پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد سبک‌شناسی ساختارگرا و با استفاده از روش سبک‌شناسی لایه‌ای به تحلیل و توصیف نامه ۴۵ نهج‌البلاغه پرداخته است. هدف پژوهش کشف روابط و پیوندهای نهان میان عناصر زبانی و جنبه‌های معنایی متن و به دنبال آن، آشکار ساختن انگیزه و افکار مؤلف است. نتایج پژوهش به این شرح است: امام علی (ع) در راستای انتقال شیوا و مؤثر اندیشه‌ها و احساسات خود، در ساختی همگون و منظم، از تمام امکانات زبانی و بیانی بهره گرفته‌اند؛ هرچند کاربرد پر بسامد توازن‌های آوایی (در سطح واج، واژگان و نحو) و بسامد بالای اسالیب انشائی، ساختار این نامه را به گفتمان خطابی نزدیک نموده و بر جنبشی‌بودن و کنش‌گرایی متن افزوده است، اما بسامد بالای واژگان محاوره در کنار کاربرد پر تکرار مدالیته عاطفی و قیود شدید تأکیدی، آن را از بافت رسمی خطابه، دور نموده و عاطفه سرشار مؤلف را در فضایی دوستانه و مؤثر و در خطابی عمومی و غیر مستقیم، به مخاطب خود انتقال می‌دهد.

**کلید واژه‌ها:** امام علی (ع)، سبک‌شناسی ساختارگرا، سبک‌شناسی لایه‌ای، نامه ۴۵.

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد؛ Email: fbesharati3@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛ Email: abd@um.ac.ir

۳. استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد؛ Email: seyedi@um.ac

۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد؛ Email: mabad@ferdowsi.um.ac.ir

## ۱. مقدمه

نهج‌البلاغه علاوه بر مضامین والای دینی، اخلاقی، سیاسی و تربیتی که راه‌گشای واقعی زندگی دنیایی و راهنمای حقیقی روح آشفته بشری است، از سبکی منحصر به فرد و ساختاری مستحکم برخوردار است. لذا واجب است این متن بی‌نظیر، هم از نظر لفظ و هم از لحاظ مضمون به شکل علمی و دقیق تجزیه و تحلیل شده، سبک فردی خالق توانای آن کشف گردد؛ در این میان، دانش سبک‌شناسی که برای شناخت دقیق آثار ادبی و اثبات ارزش آن‌ها، از راهکارهای علمی و آماری بهره می‌گیرد، روشی مناسب برای شناسایی مختصات سبکی نهج‌البلاغه است. این دانش که در واقع شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است، در نتیجه مطالعات زبان‌شناختی «فردینان دوسوسور» و شاگرد او، «چارلز بالی» در آغاز قرن بیستم پایه‌گذاری شد. در این رویکرد، مختصات سبکی متن از نظر زبانی و از نظر درون-مایه‌های فکری مؤلف، شناسایی و تحلیل می‌شوند. در نتیجه این شناخت می‌توان میزان توانایی ادبی نگارنده و تأثیرگذاری وی بر مخاطب را مورد ارزیابی قرار داد.

**۱-۱. بیان مسئله:** پژوهش کنونی بر مبنای پیوند طبیعی میان صورت و محتوا و با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای که برگرفته از روش متن‌پژوهی<sup>۱</sup> در دانش زبان‌شناسی است، می‌کوشد نسبت لایه‌های مختلف زبانی اعم از آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی را با محتوا و بافت‌های بیرون متن بکاود و پیوندگاه‌های فرم و معنا را باز شناسد و از طریق شناخت همه‌جانبه سبک اثر، به انگیزه‌ها و افکار صاحب آن دست یابد.

**۲-۱. روش‌ها و پرسش‌ها:** پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد سبک‌شناسی ساختارگرا<sup>۲</sup> به تحلیل زبانی و ادبی نامه ۴۵ نهج‌البلاغه در سطوح و لایه‌های مختلف متن می‌پردازد. سبک‌شناسی ساختارگرا، جزء رویکردهای زبان‌شناسانه قرار دارد و تحت تأثیر نظریات سوسور به وجود آمده است؛ آنجا که سوسور، زبان را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و موجودی زنده معرفی کرد و رویداد زبانی را سیستمی دانست که عناصر ارگانیک به هم پیوسته را در خود سازمان داده است [۲۵، ص ۴۲-۴۳]. ساخت‌گرایی را نخستین بار موکاروفسکی مطرح کرد؛ به نظر او تأکید باید روی متن باشد و نشانه‌های متن، ما را به خارج متن سوق دهد و نه برعکس [۱۴، ص ۱۳۰]. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی-

۱. با این تفاوت که در سبک‌شناسی لایه‌ای، با هدف بررسی مسائل محتوایی و کشف ارزش‌های زیبایی‌شناسیک متن، به جای لایه‌های معنی‌شناسی و کاربردشناسی، به بررسی لایه‌های بلاغی و فکری پرداخته می‌شود.

2. Structural stylistics

تحلیلی و با استفاده از سبک‌شناسی آماری<sup>۱</sup> «به جستجوی ویژگی‌های سبک‌شناسی و میانگین حضور و تکرار عناصر و نمودهای زبانی و سبکی» [۱۱، ص ۱۷۵] پرداخته، در صدد یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: عوامل زبانی برجسته‌ساز و مختصات سبکی معنادار در هر لایه کدامند؟ ارتباط این عناصر زبانی با یکدیگر و با محتوای متن تا چه میزان است؟ چه بن‌مایه‌های فکری و عقیدتی در پس این گزینش‌های زبانی نهفته‌اند؟

**۱-۳. پیشینه پژوهش:** در باب سبک‌شناسی نهج‌البلاغه به پژوهش‌های متعددی بر می‌خوریم: مقاله «بررسی سبک‌شناختی فرمان حکومتی امام علی (ع) به مالک اشتر»، نوشته محمد خاقانی که در سال ۱۳۸۹ در فصلنامه علمی و پژوهشی کتاب قیم دانشگاه یزد به چاپ رسیده است؛ رساله «بررسی تطبیقی خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای»، نوشته نورالدین پروین که در سال ۱۳۹۵ و با راهنمایی جهانگیر امیری در دانشگاه رازی نگاشته شده است؛ این رساله، سبک خطبه‌ها و نامه‌های نهج-البلاغه را در لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و ایدئولوژیک به صورت تطبیقی بررسی می‌کند. در مورد نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف که حاوی مفاهیم ناب و کاربردی در حوزه اداره نفس و مدیریت روابط فردی و اجتماعی انسان است، می‌توان به مقاله «خوانش سایه‌معنایی نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف»، نوشته عباس اقبالی و منصوره طالبیان اشاره کرد که در زمستان ۹۸ در فصلنامه حدیث‌پژوهی به چاپ رسیده است؛ نویسندگان این مقاله در جستجوی پیوندهای نهان میان لفظ و معنا، خوانشی تحلیلی-توصیفی از واژگان، آواها، ساخت‌های نحوی و بلاغی این نامه ارائه نموده‌اند.

تحلیل و بررسی تمام زوایای متن، در قالب جدول و نمودار و بازیابی پیوند آن‌ها با افکار و عواطف مؤلف و نیز تبیین رابطه نظام‌مندی که میان گزینش‌های امیر بیان (ع) در سطوح مختلف زبانی وجود دارد، از وجوه افتراق پژوهش کنونی محسوب می‌شوند.

## ۲. بحث

وظیفه اصلی هر متن دستیابی به یک چرخه تبادل مفهومی مؤثر میان دو طرف متن و به تبع آن، رسانایی هرچه بیشتر می‌باشد؛ «دانش سبک‌شناسی نیز به وضوح بر تکامل همین چرخه و به هم پیوستگی حلقه‌های اتصال معنایی در ذهن گیرندگان متن تکیه دارد» [۲۵، ص ۳۷]. سبک‌شناس ساختارگرا به بررسی گزینش‌های پر تکرار مؤلف در هر

یک از سطوح زبانی و بازیابی روابط متقابل این اجزاء و عناصر با یکدیگر و با مفاهیم و افکار وانهاده شده در متن می‌پردازد.

**۱-۲. لایه آوایی:**<sup>۱</sup> در این سطح، متغیرات آوایی همچون جهر، همس، شدت و نرمی آوا، سجع، تکرار، ادغام، جناس و ... مورد بررسی قرار می‌گیرند [۴، ص ۶۰]. «آواها و پیوندهایشان، بازی ملودی و ریتم، تراکم و استمرار، تکرار و سکوت، همه این‌ها توان بیانی جذابی در خود دارند» [۲۳، ص ۲۷]. اهمیت آواها در علم زبان‌شناسی از این‌روست که: «آوا وسیله‌ای برای بیان اندیشه و مفهوم است و زبان به عنوان واسطه‌ای میان اندیشه و آوا عمل می‌کند» [۱۰، ص ۱۵۶]. نامه منتخب که در مذمت دنیا و دنیاپرستی نگاشته شده است، از توازن‌های آوایی متعدد و متنوعی بهره گرفته که علاوه بر موسیقایی کردن متن، به انتقال مؤثر مفاهیم انتزاعی نیز کمک شایانی نموده است؛ در این بخش، علاوه بر تحلیل توازن‌های آوایی که به موسیقی درونی معروف‌اند [۱۴، ص ۱۵۳]، صنعت تضاد نیز که جزء موسیقی معنوی است، بررسی می‌شود.

**۱-۲-۱. توازن‌های آوایی:** توازن<sup>۲</sup> به عنوان نتیجه حاصل از قاعده‌افزایی، نخستین بار از سوی یاکوبسن مطرح شده است؛ وی بر این اعتقاد است که «فرایند قاعده‌افزایی چیزی نیست، جز توازن در وسیع‌ترین مفهوم خود و این توازن از طریق تکرار کلامی<sup>۳</sup> حاصل می‌آید» [۱۵، ج ۱، ص ۱۵۰]. توازن‌های آوایی نمود سبکی برجسته‌ای در کلام امام (ع) داشته، موجب انسجام صوری و استحکام معنایی آن گشته‌اند.

**۱-۲-۱-۱. توازن واجی:** بسامد توازن‌های واجی در متن به ۱۴۵ مورد می‌رسد که این تکرارها همراه با مراعات اصل تناسب بین لفظ و معنا، تأثیر شایانی در انسجام متن داشته، استعداد سرشار امیر بیان را جلوه‌گر می‌سازند. در این فراز از نامه «أَتَمَّتِلِيَّ السَّائِمَةَ مِنْ رَعِيهَا فَتَبَّرَكَ؟ وَ تَشَبَعُ الرَّبِيضَةَ مِنْ عَشْبِهَا فَتَرِيضُ؟ وَ يَأْكُلُ عَلَيَّ مِنْ زَادِهِ فَيَهْجَعُ؟»<sup>۴</sup> تکرار واکه و همخوان آغازین در واژه‌های «تَمَّتِلِيَّ، تَبَّرَكَ، تَشَبَعُ وَ تَرِيضُ»، ریتم یکنواختی را به متن بخشیده، حالات و اتفاقات مکرر و معمول را در ذهن تداعی می‌بخشد؛ اما به ناگاه، تکرار واکه و همخوان آغازین میان جفت واژه «يَأْكُلُ وَ يَهْجَعُ»، یکنواختی لفظی حاکم بر فضای کلی این استفهام‌های انکاری را در هم شکسته، تمایز

1. Phonetic Layer

2. Parallelism

3. Verbal repetition

۴. فرازهای مورد بررسی در این پژوهش، از چاپ اول کتاب ترجمه نهج‌البلاغه، به قلم محمد دشتی، اتخاذ شده است.

معنایی مورد نظر امام(ع) را به شکل عریانی به تصویر می‌کشد؛ تقابل اصوات شدید و نرم، بر این تمایز مفهومی و این تفاوت ذاتی، میان سرشت حیوانی و خلق و خوی انسانی می‌افزاید؛ آنجا که امام(ع) در توصیف حالات حیوانی از اصوات شدید و انفجاری همچون: «تاء، باء و ضاد» استفاده نموده که نمایان‌گر ذات خشن حیوان است؛ اما در مورد احوال خویش از اصوات نرمی چون: «هاء و یاء» بهره گرفته‌اند. بسامد بالای اصوات شدید و انفجاری، تعجب و توبیخ ناشی از این استفهام‌های انکاری را دو چندان ساخته، خشم و کراهت امام (ع) را تجسم می‌بخشد.

۲-۱-۱-۲. **توازن واژگانی:** تکرار واژگان، علاوه بر ارزش موسیقایی و معنایی، از نظر فنی نیز ارزشمند است، «زیرا تکرار لفظ در مقاطع مختلف متن، تماسک و انسجامی به آن می‌بخشد که بنای آن را محکم‌تر می‌سازد» [۶، ص ۹۳-۹۴]. امام (ع) جهت انتقال مؤثر و موزون معانی از توازن‌های واژگانی (همگونی ناقص: ۴۸، همگونی کامل: ۲۲) بهره گرفته‌اند. به عنوان نمونه، در تعبیر «لَهِيَ فِي عَيْنِي أَوْهِي وَ أهُونٌ مِنْ عَفْصَةِ مَقْرَةَ» تکرار واکه و همخوان آغازین در جفت‌واژه «أوهی» و «أهون» در کنار تشابه وزنی آن دو، توازنی گوش‌نواز و هوش‌نواز را به وجود آورده است؛ همنشینی دو صوت «همزه و هاء» نیز که هر دو از اصوات مهموس و رقیق هستند [۲۶، ص ۸۶-۸۷] و اولی بر تهی بودن و دومی بر متلاشی شدن [۱۷، ص ۱۷] دلالت دارند، سستی و بی‌مقداری دنیا را تداعی می‌سازد.

۲-۱-۱-۳. **سجع:** بسامد سی موردی انواع مختلف سجع و صنایع وابسته به آن بر توان موسیقایی و ادبیت متن افزوده است؛ به عنوان نمونه در تعبیر «أَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِينَ غَرَّرْتَهُمْ بِمَدَاعِيكَ! أَيْنَ الْأُمَّمُ الَّذِينَ فَتَنْتَهُمْ بِخَارِفِكَ»، شاهد کاربرد صنعت موازنه می‌باشیم که در کنار تکرار مکانیکی سایر کلمات، توازن خاصی به متن بخشیده است.

ردیف	واژه‌های مسجع	متوازی	متوازن	مطرف	تضمین المزدوج
۱	مَجْفُوٌّ / مَدَعُوٌّ	*			
۲	الْقُبُورُ - اللَّحُودُ		*		
۳	الْحَجَرُ / الْمَدْرُ			*	
۴	عَرَّتِي / حَرِّي	*			
۵	الْهَامِلَةُ / السَّائِمَةُ			*	
۶	مُنَاخٌ / إِنْسِلَاخٌ			*	
۷	أَقْرَاصُ / خَلَاصُ			*	
	مجموع واژگان: ۳۰	۱۳	۶	۹	۲

جدول ۱. بسامد انواع سجع در نامه ۴۵

۲-۱-۱-۲. جناس: بسامد انواع جناس به نه مورد می‌رسد که با وجود بسامد پایین، تأثیر به سزایی در موسیقی و انتقال معنا دارند؛ به ویژه اینکه معنای کلام این جناس‌ها را طلب نموده و بر زیبایی و تأثیرگذاری آن‌ها افزوده است. در تعبیر «قَوْلَ اللَّهِ مَا كُنْتُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَ لَا حُزْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا»، امام(ع) با کاربرد جناس غیر تام لاحق، میان واژه‌های «تَبْرًا» و «شَبْرًا»، علاوه بر افزایش توان موسیقایی متن، به واسطه تکرار آواهای «باء» و «نون» که به ترتیب از شدت و وضوح شنیداری برخوردارند، القانات موسیقایی ویژه و ایحاءات معنایی مطلوب، از جمله کراهت امام(ع) از متعلقات دنیوی را انتقال می‌دهند.

ردیف	واژگان	نوع جناس
۱	فَانظُرْ إِلَى مَا تَقَضَّمُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ	اشتقاق
۲	قَوْلَ اللَّهِ مَا كُنْتُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَ لَا حُزْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا	لاحق
۳	فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ، وَ سَخَّتْ عَنْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ آخَرِينَ	مصحف
۴	فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنِ الْقِتَالِ الْأَقْرَانِ	مکتف مزدوج
۵	أَوْ أَبَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ غَرَّتِي	اشتقاق
۶	...فِي أَنْ أَطَهَرَ الْأَرْضَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَ الْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ	لاحق
۷	أُورِدْتَهُمْ مَوَارِدَ الْبَلَاءِ، إِذْ لَا وَرْدَ وَ لَا صَدْرَ	اشتقاق

جدول ۲. بسامد انواع جناس در نامه ۴۵

۲-۱-۲. تضاد: «معانی و مفاهیم در دو حالت دارای تناسب و انسجام هستند؛ یکی، زمانی که شباهت و نزدیکی دارند و دیگری هنگامی که متضادند» [۱۹، ص ۱۴۳]. «زیبایی این نوع موسیقی در تلاشی است که ذهن برای ایجاد ارتباط بین مفاهیم کلمات انجام می‌دهد» [۹، ص ۳۵]. نامه مورد بررسی حاوی هشت مورد تضاد است که علی‌رغم بسامد کم، تأثیر فراوانی در موسیقی درونی و انتقال معانی دارند؛ خصوصاً در مواردی که این موسیقی درونی با توازن‌های آوایی همراه می‌گردد. تضادهای به کار رفته در این نامه، تقابل و رویارویی عمیق و ریشه‌دار میان دو گروه از انسان‌ها را محسوس می‌سازند: گروهی که خلق و خوی حیوانی را رها نموده، فطرت پاک آسمانی خود را تقویت و حاکم بر نفس می‌کنند و گروهی که بنده نفس خویش بوده، در پی برطرف ساختن

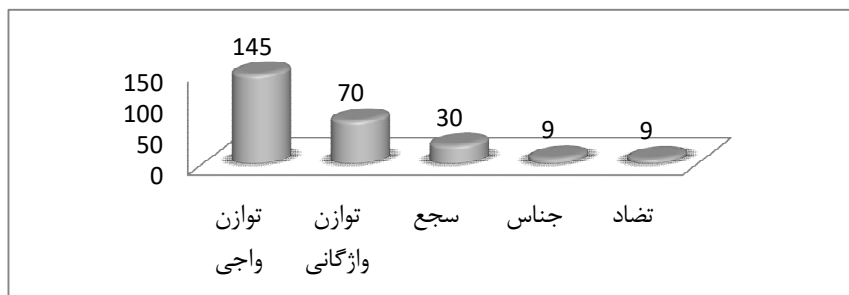
نیازهای نفسانی، فطرت را نادیده گرفته، بر انحراف خویش می‌افزایند. در موازات با این تضاد عمیق شخصیتی، تضادهای فکری و عملی بی‌شماری سر بر می‌آورند. امام (ع) خود را الگوی بی‌همتای گروه اول معرفی نموده، هرچند این جایگاه والا را غیر قابل دستیابی می‌دانند، اما پیروان خویش را بدان دعوت می‌کنند.

ردیف	واژگان	تضاد ایجاب	تضاد سلب	ملحق به تضاد
۱	عَائِلٌ ≠ غَنِيٌّ	*		
۲	مَجْفُوءٌ ≠ مَدْعُوءٌ		*	
۳	شَحَّتٌ ≠ سَخَتْ	*		
۴	أَوْسَعٌ ≠ أَضْعَطَ		*	
۵	المَرْبُوطَةُ ≠ المَرْسَلَةُ	*		
۶	أَصْلَبُ ≠ أَرْقُ	*		
۷	وَرْدٌ ≠ صَدْرٌ	*		
	مجموع: ۸	۶	۰	۲

### جدول ۳. بسامد انواع تضاد در نامه ۴۵

#### ۲-۱-۳. نتیجه کلی بررسی لایه آوایی

این نامه که در اعتراض به اقدام عثمان بن حنیف نگاشته شده، آن‌چنان از عاطفه جوشان و احساس خروشان امام(ع) لبریز است که همچون خطابه‌ای منسجم و طوفنده عمل کرده، از سبک و سیاقی زنده، مستقیم و پویا برخوردار است. امام (ع) در این نامه، به مانند سبک خطابی، از تمام امکانات آوایی بهره گرفته‌اند و در نتیجه، «فکر و وجدان مخاطب را درگیر کرده، او را به انجام و یا ترک کنش مورد نظر ترغیب و تحریک می‌نمایند» [۱۲، ص ۱۱۸]. امام(ع) با هدف حفظ وحدت میان خویش و مخاطب، از کاربرد بی‌رویه صنعت تضاد که بر وجود تفاوت‌ها و تعارض‌ها صحنه می‌گذارد، اجتناب فرموده و با حفظ کرامت انسانی و القای غیرمستقیم ارزش‌ها، مسیر رشد فردی و اجتماعی وی را هموار نموده‌اند.



نمودار ۱. بسامد انواع کارکردهای آوایی در نامه ۴۵

۲-۲. لایه واژگانی<sup>۱</sup>: این لایه از سبک‌شناسی با کمک علم صرف و همچنین با استمداد از دانش معناشناسی، به تحلیل واژگانی متن یعنی «بررسی کوچک‌ترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، معنای آن‌ها، ائتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دال‌ها و نشانه‌ها و مانند آن، می‌پردازد». [۲۰، ص ۲۳۸]

۲-۲-۱. بررسی صرفی واژگان: سبک‌شناسی در این سطح «به بررسی احوال واژه، ساختمان آن، اشتقاق و هر آنچه از تغییر و تولید که در آن حادث شود، می‌پردازد» [۲، ص ۱۶]. در این قسمت، ابتدا به ساختار افعال و تغییرات صرفی آن‌ها توجه شده و سپس به تحلیل ساختارهای صرفی مختص اسم و دلالت‌های معنایی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱-۱. بررسی ساختمان فعل: در این بخش، ساخت صرفی افعال نامه از نظر دلالت‌های مختلف، بررسی آماری و تحلیل معنایی می‌شوند. به منظور تسهیل امر بررسی و تطبیق، به تجمیع داده‌های آماری و ارائه آن‌ها، در قالب یک جدول دست می‌یازیم.

زمان فعل	ثلاثی مجرد	ثلاثی مزید	رباعی مجرد	رباعی مزید
ماضی معلوم	۳۰	۲۹	۱	-
ماضی مجهول	۲	۱	-	-
مضارع معلوم	۳۱	۱۱	-	-
مضارع مجهول	۲	۴	-	-
امر	۵	۲	-	-

جدول ۴. بسامد انواع فعل در نامه ۴۵



فعل ماضی با ۶۳ مورد از بیشترین بسامد برخوردار است؛ پس از آن بسامد کاربرد فعل مضارع با اختلاف نه‌چندان زیاد به ۴۸ مورد می‌رسد و امر با هفت مورد از کمترین بسامد برخوردار است. در توضیح این بسامدها می‌توان بیان داشت که امام (ع) آن‌گاه که در مورد صفات اخلاقی خویش و یا در باب مذمت دنیا دست به قلم می‌برد، از فعل ماضی و دلالت‌های مختص آن یعنی ثبات، استمرار و امتداد زمانی بهره می‌گیرند. از سوی دیگر، با گزینش پر بسامد فعل مضارع که ارتباط فوری و بی‌واسطه با واقعیت دارد [۲۰، ص ۲۹۲] و خطاب مستقیم و صریحی میان مخاطب و مخاطب برقرار می‌سازد، علاوه بر افزایش میزان قطعیت کلام، توجه دائمی مخاطب را بر انگیزته، زمینه اقناع وی را فراهم می‌آورند.

در مورد ذکر یا حذف کنش‌گر، این نامه از میان ۱۱۸ فعل، تنها نه فعل مجهول را در خود جای داده‌است؛ بسامد بالای افعال معلوم که نقش کنش‌گر را تقویت می‌کنند، تجسم بخش اخلاق و رفتار امام(ع) می‌باشد؛ همچنین بر اهمیت منزلت فردی و اجتماعی انسان تأکید می‌کند: حفظ تقوا، رهایی از تعلقات دنیایی و خودسازی از بایسته‌های زندگی فردی و برپایی عدالت اجتماعی، ظلم‌ستیزی و دیگرخواهی از ضروریات زندگی اجتماعی است.

از نظر ساختار فعلی، بسامد افعال مجرد با ۷۰ مورد، بر افعال مزید با ۴۷ مورد پیشی گرفته است؛ در میان افعال مجرد، ۶۱ مورد بر وزن «فَعَلَ» و تنها نه مورد بر وزن «فَعِلَ» می‌باشد؛ بسامد بالای وزن «فَعَلَ» که بر افعال مرئی و حرکتی دلالت دارد، تلاش امام(ع) و اقدامات ایشان در راستای تربیت نفس و اجرای عدالت اجتماعی را تداعی می‌بخشد. در میان افعال مزید، باب «إفعال» با نوزده مورد از بیشترین بسامد برخوردار است؛ این باب از نظر معنایی بر عاملیت و اثرگذاری دلالت داشته، هم‌سو با محتوا، عاملیت شخص امام(ع) به عنوان امیر مؤمنان و در مرتبه بعد، عاملیت کارگزاران و والیان امر را القا می‌کند.

## ۲-۱-۲. بررسی ساختمان اسم:

مشخصه	جامد	مشتق	معرفه	نکره
نامه ۴۵	۲۰۴	۶۳	۳۵۱	۶۰

جدول ۵. بسامد انواع اسم در نامه ۴۵

هرچند امام(ع) در این نامه به توصیف صفات دنیا و نفس انسان پرداخته‌اند، اما در اکثر موارد، با هدف تفصیل و بسط مفهوم، از جمله‌های وصفیه استفاده نموده‌اند. بسامد بالای اسم‌های جامد یا موصوف در مقایسه با صفات، نشان از تلاش امام(ع) در تجسم بخشیدن وقایع و درونیات خویش دارد. امام(ع) با استفاده از راهکارهای ساده زبانی، جنبه وصفی کلام را که فضا را با مبالغه و اغراق از واقعیت دور می‌کند، کم‌رنگ و منزوی ساخته‌اند.

در مبحث تعریف و تنکیر نیز شاهد اختلاف شدید بسامدها هستیم؛ هرچند اگر بسامد بالای معارف را میان انواع آن توزیع کنیم، بسامد اسامی معرفه به «ال» که ملموس‌ترین نوع معرفه است، به ۷۸ مورد می‌رسد و با اختلاف تنها هجده مورد، بر اسامی نکره برتری می‌یابد؛ در این حالت، بسامد بالای اسامی نکره که ذاتاً بر بزرگ‌نمایی دلالت دارند، هم‌سو با محتوای نامه، دگرگونی‌ها و رخداد‌های غیر قابل پیش‌بینی، دنیا را در پوششی مهیب و هولناک تجسم می‌بخشد. اما بسامد بالای اسامی معرفه، میزان قطعیت و اصالت معانی وانهادده شده در متن را افزایش داده و امور انتزاعی را در قالبی آشنا و قابل درک ارائه می‌کند. در میان معارف، ضمائر با ۱۲۵ مورد از بیشترین بسامد برخوردارند؛ گرچه موضوع اصلی نامه، یعنی سرزنش و موعظه، ایجاب می‌کند که ضمیر مخاطب از بسامد بیشتری برخوردار باشد، اما اعاده اکثر ضمائر به شخص امام (ع)، علاوه بر اجتناب از گزینش‌های تقابلی، بر اهمیت رعایت اصل خودسازی نیز تأکید می‌کند.

**۲-۲-۲. بررسی معنایی واژگان:** اهمیت بحث واژگان تا حدی است که عده‌ای از صاحب‌نظران آن‌را معادل سبک قرار می‌دهند: «سبک، محصول گزینش خاصی از واژه‌ها و تعبیر و عبارات است» [۱۶، ص ۱۶]؛ اما باید توجه داشت که نه نشانه به تنهایی می‌تواند کارایی داشته باشد و نه معنا بدون نشانه؛ «در واقع، نشانه بدون معنا عقیم است و معنا بدون نشانه، هیچ، پوچ و نامشروع» [۱۳، ص ۱]. تعبیر رافعی در توصیف «کلمه»، تأکیدی است بر این پیوند ناگسستنی میان واژه و معنا: «کلمه، در وضع حقیقی خود، همان صدای روح است» [۸، ص ۱۷۳]. کاربردهای برجسته، معنادار و نقش‌مند یک نوع واژه یا یک طبقه واژگانی، اهمیت ویژه‌ای برای سبک‌شناس دارد؛ بنابر نوع الفاظ گوینده و میزان استفاده او از واژگان رسمی، عامیانه، جدی، کنایی، ... گونه خاصی از سبک شکل می‌گیرد.

دلالیت	نوع واژه	نمونه	صفت سبک	نوع سخن
شفافیت	روشن	طَعَامٌ، عَفْصَةٌ، الْحَجَرُ، الْعَسَلُ، الشَّجَرَةُ، مَخَالِكٌ	روشن	داستانی
	تیره	مَجْفُوٌّ، التَّقْوَى، جَشَعِي، المَتَاهَةُ، الضَّلَالَةُ	کدر	فلسفی
بافت	رسمی	مَأْمُومٌ، إِمَامًا، يَقْتَدِي، الخَوْفِ الْأَكْبَرِ، اجْتِهَادٌ	رسمی	آموزشی
	محاوره‌ای	الْبَهِيمَةُ الْمَرْبُوطَةُ، تَقَمُّمُهَا، الْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ	محاوره‌ای	خودمانی
ارجاع	صریح	طَعَامٌ، سَدَادٌ، نُفُوسٌ، النَّفْسُ، التُّرَابُ، شَفَاهُهُمْ	عین‌گرا	علمی
	ضمنی	جَوَابِ الْمَزْلُوقِ، حَبْلِ الضَّلَالَةِ، تَقَشَّعَتْ	کنایی، استعاری	ادبی
نشان‌داری	بی‌نشان	طَعَامٌ، اجْتِهَادٌ، النَّفْسُ، حُفْرَةٌ، التُّرَابُ، الْقَرْصُ	درجه صفر سبک	رسمی
	نشان‌دار	مَدْعُوٌّ، مَجْفُوٌّ، المَقْضَمِ، عَفْصَةُ مَقْرَةَ، الْمَرْكُوسِ	ارزش‌گذار	شخصی

جدول ۶. بسامد انواع دلالت‌های واژگانی در نامه ۴۵

● **شفافیت:** بسامد واژه‌های حسی با ۱۵۰ مورد، بر واژه‌های ذهنی با ۱۰۴ مورد پیشی گرفته است. این گزینش‌های عامدانه در راستای رعایت شرط اصلی بلاغت، یعنی «تطابق سخن با مقتضای حال» اعمال گشته‌اند؛ چرا که مخاطب نامه، راه و رسم امام (ع) در زمام‌داری، به‌ویژه، رعایت عدالت اجتماعی را نادیده گرفته، بر خلاف آن عمل نموده است؛ لذا امام(ع) در جهت رد این انکار، به گزینش واژگان حسی دست یازیده‌اند. بسامد بالای واژه‌های حسی که اغلب در قالب تمثیل، به تبیین معانی انتزاعی و احوالات درونی پرداخته‌اند، خود تعریضی است بر سطحی‌نگری مخاطب؛ غلبه واژگان عینی، سبک متن را حسی و نوع سخن را داستانی می‌کند.

● **بافت:** در این نامه شاهد فزونی گرفتن واژگان و تعابیر غیر رسمی یا محاوره‌ای هستیم، که سخن را به سوی خودمانی شدن سوق می‌دهند؛ موضوع این نامه که در مقام عتاب و نصیحت است و نیز مخاطب ویژه آن و از همه مؤثرتر، فضای روحی خود مؤلف که آکنده از ناباوری است، منجر به گزینش پر بسامد این نوع واژگان و غلبه بلامنازع سبک محاوره‌ای بر متن گشته است. کاربرد ضمائر متکلم و تمثیل‌های متعدد، منجر به دور شدن متن از بافت رسمی گشته است. گو اینکه امام (ع)، سعی بر آن دارند که با دور ساختن متن از بافت رسمی نامه‌های سیاسی و در خطابی غیر مستقیم، با مخاطب ارتباط برقرار نموده و با این شیوه، بر قدرت اثرگذاری و اقناع متن بیفزایند.

● **ارجاع:** در نامه مورد نظر، شاهد بسامد بالای واژگان و تعابیر ضمنی هستیم که نوع سخن را به ادبیت نزدیک می‌گرداند؛ امام(ع) جامه‌ای از آرایه‌های ادبی را بر تن اندیشه و عقیده پوشانیده، اغراض ناخوشایندی همچون توبیخ و عتاب را آن‌چنان با هنر و ادبیت در هم آمیخته‌اند که مخاطب را به‌دور از سرخوردگی و تخریب شخصیتی، مجذوب شکل و محتوای متن می‌گردانند.

● **نشان‌داری:** بسامد واژگان بی‌نشان با ۲۳۱ مورد، از بسامد واژگان نشان‌دار با ۱۲۸ مورد پیشی گرفته است. می‌توان ادعا نمود که امام (ع) در این نامه از راهبردهای پوشیدگی بهره گرفته‌اند؛ آنجا که در تبیین نظرات و عقاید خویش، لغات هسته‌ای یا بی‌نشان فراوانی را به کار گرفته و بر عینیت و تأثیرگذاری متن مورد نظر افزوده‌اند. امام(ع)، با استفاده از این راهبرد، باورهای راستین و عقاید حق‌جویانه خویش را در کمال صدق، عینیت و قاطعیت به مخاطب انتقال داده‌اند. این گزینش عامدانه می‌تواند بر انگیزه امام(ع) مبنی بر ابراز نصایح و معانی توبیخ‌آمیز در فضایی دوستانه و به دور از کنایه و تعریض، دلالت داشته باشد.

### ۳-۲-۲. نتیجه کلی بررسی لایه واژگانی و واکاوی فکری - عقیدتی آن:

واژه‌ها در پیوندی مثال‌زدنی با محتوا، اعتقاد واحدی را به مخاطب انتقال می‌دهند و آن لزوم اجتناب از دنیاپرستی است؛ در این راستا، بسامد بالای فعل مضارع، خطاب مستقیمی را تولید می‌کند؛ همچنین، بسامد بالای وزن «فَعَلَ» که بر اعمال مرئی و حرکتی دلالت دارد، در کنار بسامد بالای وزن «إفعال» و «إفتعال» و القانات ویژه این دو ساختار صرفی، از قبیل افزایش پویایی و جنبشی‌ساختن متن، بر نقشمندی و کنش‌گرایی متن افزوده، نامه مورد بحث را به ویژگی‌های گفتمان خطابی نزدیک می‌گرداند؛ فزونی گرفتن افعال معلوم بر شفافیت و عینیت متن افزوده، بر اهمیت نقش انسان در زندگی فردی و اجتماعی‌اش، تأکید می‌کند. کاربرد پر بسامد اسم‌های جامد، در کنار بسامد بالای اسامی معرفه، میزان قطعیت و اصالت معانی وانهاده شده در متن را افزایش داده، امور انتزاعی را در قالبی آشنا و قابل درک ارائه می‌کنند. در مورد دلالت‌های معنایی واژگان نیز شاهد تناسبی عمیق میان لفظ و معنا هستیم که هم‌سو با انگیزه امام(ع) و هماهنگ با ساختارهای صرفی پر بسامد، بیشترین میزان انگیزش و اقناع را به وجود آورده‌اند. کاربرد واژه‌های شفاف که در قالب تمهیدات بیانی، به‌ویژه تمثیل‌های ضمنی از بسامد قابل توجهی برخوردارند، منجر به انتقال مؤثر معانی و عینیت بخشیدن به امور انتزاعی شده است. بسامد بالای واژگان محاوره که بافت غیر رسمی و سبک خودمانی را رقم زده‌اند، فضایی مناسب را برای انتقال محتوای عتاب‌آلود فراهم ساخته است. از دیگر سو، بسامد بالای واژه‌های بی‌نشان به مضامین انتزاعی و عقاید شخصی وانهاده شده در متن، عینیت می‌بخشد.

### ۳-۲. لایه نحوی: این لایه از سبک‌شناسی به کمک علم نحو به بررسی ساختمان

جمله‌ها، روابط واژه‌ها باهم، شیوه‌های ترکیب واژه‌ها، نظم و دستورمندی واژگان، تحلیل نقش معنی‌شناسیک واژه در جمله و... می‌پردازد [۲۰، ص ۲۳۸]. واژگان و عناصر ترکیبی در محور همنشینی کلام، جملات و پاراگراف‌های کاملی را شکل می‌دهند که دارای پیوند محکم لفظی و معنایی هستند [۲۲، ص ۸۵-۸۶] و به واسطه آن‌ها، سطح عاطفی جملات شکل می‌گیرد [۱۸، ص ۱۴۹]. جمله، عنصر اساسی کلام و «زیربنای ساختاری آن است» [۲۴، ص ۲۱۷]؛ زیرا با جمله‌ها، سخن گفته می‌شود و اندیشه شکل می‌گیرد [۱، ص ۳۰]. هرچند جمله‌بندی و چینش عناصر ترکیبی نهج‌البلاغه بر مبنای نحو معیار است، اما این

گزینش‌های نحوی به دلیل هم‌سو شدن با مفاهیم و معانی مورد نظر امام (ع)، شکل خاصی به متن بخشیده، سبک نشان‌دار و یا به اصطلاح فردی را برای امام (ع) رقم زده‌اند.

### ۲-۳-۱. روابط تقابلی: امام (ع) برای توبیخ و ارشاد کارگزاران خویش و انتقال مؤثر

مفاهیم، به کار بست رابطه تقابلی مفاهیم در قالب توازن‌های نحوی پر تکرار دست زده‌اند؛ تقابل انسانیت در برابر حیوانیت، تقابل آشکار و پرمکاربرد است که در سرتاسر نامه به چشم می‌خورد: «فَمَا خُلِقْتُ لِيشَعَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ، كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ، هَمَّهَا أَلْفُهَا...»، «أَتَمَّتِلِي السَّائِمَةَ مِنْ رِعِيهَا فَتَبْرُك؟ وَ تَشَبَعُ الرَّبِيبَةَ مِنْ عُشْبِهَا فَتَرِيضُ؟ وَ يَأْكُلُ عَلِيٌّ مِنْ زَادِهِ فَيَهْجَعُ!»؛ در تعبیر اخیر، گزینش‌های مؤثر امام (ع)، در تمام سطوح زبانی از قبیل: اصل تقابل، تشبیه تمثیلی، تکرار نحوی، تتابع استفهام‌های انکاری، توازن‌های آوایی و ...، در ساختی منسجم و هماهنگ، مضمون مورد نظر امام (ع) را که همان عتاب و سرزنش کارگزاران است، در خطابی غیرمستقیم و در قالبی ادبی، اما در تقابلی حقارت‌بار و شرم‌آور، که انکار شدید توبیخی را نیز به همراه دارد، به مخاطب انتقال می‌دهند. تقابل دیگری که انسان را به تأمل وادار می‌دارد، مقایسه مسیر زندگی پادشاهان و نیازدگانی است که دل بر زر و زیور دنیا و لذات دنیوی بسته و از هدف اصلی خلقت غافل شده‌اند و در نهایت به سرنوشتی بس شوم گرفتار آمده‌اند: «فَهَا هُم رَهَائِنُ الْقُبُورِ، وَ مَضَامِينُ اللُّحُودِ» و در مقابل، مسیر زندگی انسان‌هایی است که از نیازدگی جان سالم به‌در برده و در طلب رضایت پروردگار، شب و روز به جهاد و عبادت پرداخته، سرنوشتی نیک می‌یابند: «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

### ۲-۳-۲. خبریه و انشائییه بودن جملات: بسامد چهل باره جملات خبری با

اختلاف تنها هفت مورد، بر بسامد جملات انشائی با ۳۳ مورد برتری دارد. آمیختگی جملات خبری و انشائی که به صنعت التفات بیانی معروف است، گزینشی است که امام (ع) برای جلب توجه بیشتر و اجتناب از ملولیت بدان دست می‌یازند؛ تنوع اسلوب جملات، ایجاد نشاط نموده و سطح هوشیاری مخاطب را بالا می‌برد و احساسات خطیب را نیز به بهترین وجه ممکن ترسیم می‌کند [۵، ص ۲۵۹]. عطف جملات استفهامی، شاخصه دیگری است که با تولید سبک هم‌پایه، موجب شتاب و پویایی متن و تأثیر عمیق کلام بر اذهان مخاطبین می‌گردد. این فراهنجاری، نشان‌دهنده توانایی نویسنده در کاربرد اسالیب انشائی است.

### ۲-۳-۳. طول جملات: در این نامه گران‌سنگ، شاهد بسامد بالای جملات بلند

(یازده مورد) و جملات مرکب (سیزده مورد) در مقابل بسامد ناچیز جمله‌های کوتاه هستیم؛ بسامد بالای جملات بلند و مرکب، مربوط به توجیهی بودن این نامه است؛ امام(ع) به عنوان امیر مؤمنان، سعی بر آن دارند تا والیان و نمایندگان خویش را از آفت فراگیر دنیاپرستی برهانند؛ لذا برای این مهم، ناچار به ارائه براهین محکم و اقامه ادله مؤثر می‌باشند. ساخت نحوی تو در تو و پیچیده‌ای که بر اثر این گزینش‌های عامدانه رقم خورده است، بر پیچیدگی موضوع، یعنی ضرورت مقابله با خواهش‌های نفسانی و دنیاطلبی دلالت می‌کند. هرچند در جمله‌های مرکب طولانی و متشکل از چند بند و جمله‌واره، «انسجام بلاغی سبک، حاصل رابطه میان واحدهای اندیشه است، نه میان واحدهای دستوری» [۲۰: ص ۲۷۸]، اما در اغلب جملات مرکب به کار رفته در این نامه، شاهد اتصال همیشگی این واحدهای معنایی با حروف عاطفه‌ای همچون واو، او، ام و یا فاء هستیم. این گزینش‌های عامدانه که منجر به بروز سبک هم‌پایه گشته‌اند، از یک سو، رکود ناشی از بسامد بالای جملات مرکب را در هم شکسته، شتاب و پویایی سبک را برای متن به ارمغان می‌آورند و از سوی دیگر، بر التصاق و پیوستگی انتخاب‌های انسان و سرنوشت ابدی او دلالت می‌کنند.

**۴-۳-۲. تقدیم و تأخیر:** با بررسی این نامه به ۲۴ مورد تقدیم و تأخیر برمی‌خوریم که در اکثر موارد، جار و مجرور بر مفعول و یا فاعل جمله مقدم شده است: «تُسْتَبَابُ لِكَ الْأَلْوَانُ، وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ» و «فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرَأُ، وَ لَا ادَّخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرَأُ، ... شَبْرَأُ»، «كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكُّ» و «لَأَقِمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللَّهِ ...»؛ این چینش غیر معمول واژگان که غالباً در پی انگیزه مؤلف مبنی بر کاربرد صنعت سجع میان فاصله‌های دو مقطع به دست می‌آید، علاوه بر موسیقایی ساختن متن، دلالت‌های معنایی مورد نظر امام(ع)، از جمله تخصیص و یا تأکید را به شیوه‌ای غیر مستقیم و مؤثر انتقال می‌دهد؛ به عنوان نمونه، در جمله اول، تقدیم ضمایری که به ابن حنیف باز می‌گردند، توجه ویژه میزبان به این شخصیت را که فرماندار بصره در آن زمان بود، تداعی می‌سازد.

**۵-۳-۲. وجهیت یا مدالیته:**<sup>۱</sup> اشاره دارد به «امکانات زبانی موجود برای توصیف و توجیه

۱. مدالیته، عبارت است از: میزان قاطعیت گوینده، در بیان یک گزاره که به‌طور ضمنی به‌وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور (کنش غیر زبانی) یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پایبندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است (فتوحی، محمود. ۱۳۸۹). <http://karsi.blogfa.com/post/87/>.

ادعا، عقیده یا تعهدی که فرد با زبان خلق می‌کند» [۲۰، ص ۲۸۶]. سبک هر مؤلف از یک الگوی دستوری خاص پیروی می‌کند که بیان‌کننده نوع دیدگاه‌های اوست؛ لذا متغیرهای نحوی موجود در ساختمان یک اثر ادبی، تابعی از نگرش مؤلف در خصوص موضوع است.

### ۲-۳-۵-۱. بررسی وجهیت در فعل: وجه فعل، «صورت یا جنبه‌هایی از آن است

که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنا، تأکید، امید و ... دلالت می‌کند» [۲۱، ص ۳۸۱].

وجه اخباری	وجه التزامی	وجه تمنایی	وجه عاطفی	وجه معرفتی
۶	۶	۰	۸۶	۲۵

جدول ۷. بسامد انواع فعل از نظر وجهیت در نامه ۴۵

وجه عاطفی با ۸۶ مورد از بیشترین بسامد برخوردار بوده، از یک‌سو مکنونات قلبی امام(ع) را که لبریز از احساسات جوشان و عواطف گرم انسانی است، تجسم می‌بخشد و از سوی دیگر، تعامل میان گوینده و مخاطب را افزایش داده، زمینه نوعی اعتماد و هم‌دلی را فراهم می‌آورد. مدالیت معرفتی نیز با ۲۵ مورد بر اطمینان خاطر امام (ع) در مورد این دیدگاه و اراده محکم ایشان، مبنی بر ادامه این شیوه، دلالت می‌کند. این باور عمیق و اراده قوی، مخاطب را تحت تأثیر قرار داده، وی را در انتخاب دنیا و متعلقات آن مردد می‌گرداند.

### ۲-۳-۵-۲. بررسی وجهیت در قید: قیدها نیز حامل دیدگاه گوینده نسبت به

موضوع‌اند و شدت و ضعف تلقی، باور و دلبستگی وی را به عقائد و باورها نشان می‌دهند. در این نامه، قیدهای تأکیدی با ۳۸ مورد، به صورت متراکم و فشرده در اکثر جمله‌ها به کار رفته‌اند؛ جهت شناسایی نحوه توزیع انواع قید به بررسی چند جمله بسنده می‌کنیم.

گزاره	قیود تأکیدی
فقد بَلَّغْنِي أَنْ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادْبَةِ	قد، آن
أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهِ بِطَمْرِهِ	أَلَا، إِنَّ، قد تحقیق
قَوْلَهُ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا	اسلوب قسم
أَلَا وَ إِنَّ الشَّجْرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا	أَلَا، إِنَّ
وَ اللَّهُ لَوْ تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَيَّ قِتَالِي لَمَا وَّالَيْتُ عَنْهَا	قسم، شرط، لام قسم
وَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُ شَخْصًا مَرِيئًا، وَ قَالِبًا حَسِيًّا، لَأَقَمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللَّهِ	قسم، شرط، لام قسم
وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأَرُوضَنَّ نَفْسِي رِيَاضَةً ... إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ...	قسم، لام قسم، نون تأکید، شرط

جدول ۸. بسامد قیدهای تأکیدی در نامه ۴۵

امام(ع) در اغلب موارد از قیود تأکیدی شدید همچون اسلوب قسم، آلائی استفتاحیه، حروف مشبیهه، لام تأکید و لام قسم بهره گرفته‌اند؛ این گزینش‌های منسجم و متراکم، عاطفه جوشان و احساسات خروشان امام(ع) را تجسم بخشیده، بر باور قطعی مؤلف نسبت به موضوع دلالت می‌کنند. از آنجا که قیدها، حامل دیدگاه گوینده نسبت به موضوع‌اند، می‌توان این گزینش‌های پر بسامد را دال بر توجه ویژه امام(ع) به موضوعات مطرح شده از جمله حفظ تقوا، کراهت از دنیاپرستی، دفاع از حق و رعایت حقوق مستضعفان دانست.

### ۲-۳-۶. نتیجه کلی بررسی لایه نحوی و واکاوی فکری - عقیدتی آن: نامه

مورد نظر که واکنشی است به تصمیم نادرست ابن حنیف، علاوه بر توجیه و ارشاد، نقش توییح و سرزنش را نیز به صورت ضمنی و غیرمستقیم ایفا می‌کند؛ لذا در این اقدام واکنشی، شاهد بروز احساسات عمیق مؤلف و دخالت آشکار وی در بیان موضوع هستیم؛ این عاطفه و احساس جاری، به متن مورد نظر تسری یافته، منجر به افزایش بسامد جملات فعلیه و انشائیه، مدالیت‌های عاطفی و معرفتی و نیز کاربرد متراکم قیدهای شدید تأکیدی گشته است. علاوه بر این، گزینش ساختارهای نحوی ویژه، همچون تقدیم و تأخیر و تکرار و تقابل نحوی از یک سو بر ادبیت و موسیقایی متن افزوده‌اند و از سوی دیگر، با استفاده از راهبردهای تخصیص و تکرار، بر مفاهیم مورد نظر مؤلف تأکید کرده‌اند.

### ۲-۴. لایه بلاغی:<sup>۱</sup> این لایه از سبک‌شناسی، در واقع، نوعی تحلیل معنی‌شناسیک

زبان ادبی است، اما معانی تخیلی را تحلیل می‌کند. «بررسی سطح بلاغی متن، هم کلید شناخت زیبایی‌ها را در دست ما می‌گذارد و هم دریچه‌های تفسیر و تأویل را به روی ما می‌گشاید» [۲۰، ص ۲۷-۲۸]. هدف از این لایه، بررسی عناصر بلاغی است که مؤلف با به‌کارگیری این عناصر، گاه از خلال تصرف در بعد جانیشینی کلام و گاه با دخالت در محور ترکیب عبارات، دلالت‌های کلام را دست‌خوش تغییر و تحول قرار می‌دهد؛ مانند آنچه در عناصر بلاغی علم بیان و محسنات معنوی با آن روبه‌رو هستیم [۲۲، ص ۲۱۶]. امام(ع) در این نامه انتقادآمیز که خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره نگاشته‌اند، به بهترین وجه ممکن از تمهیدات بیانی بهره برده، مضامین انتزاعی و مکونات قلبی خویش را در قالبی محسوس و قابل درک به مخاطب ارائه می‌دهند.



## ۲-۴-۱. بررسی تشبیه:

نمونه‌ها	طرفین	حسی، عقلی	نوع آرایه
۱. فَمَا خُلِقْتُ.. كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ، هَمَّهَا عُلْفُهَا	فرد بی‌نیازی که به شهوات دنیا مشغول است/ حیوان پروار که به خوردن علف مشغول است	حسی به حسی	تمثیل غیر ضمنی مرسل، مجمل
۲. أَعْتَسِفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ	سرگردانی / راه	عقلی به حسی	بلغ
۳. إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا	امام(ع) که با وجود قوت کم قدرت جسمی بالایی دارند/ درخت بیابانی که صلابت بیشتری دارد	حسی به حسی	تمثیلی ضمنی
۴. الرِّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا	حریفان امام(ع) که در رفاه زندگی می‌کنند/ درختان نرم و نازکی که در باغ پر آب رویده‌اند	حسی به حسی	تمثیلی ضمنی
۵. النَّبَاتِ الْعِذِيَّةِ أَقْوَى وَفُودًا	امام(ع) که در جنگاوری قوی‌تر و بر ادامه آن تواناترند/ گیاهان دیم که در آتش دیرپایند	حسی به حسی	تمثیلی ضمنی
۶. أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالذَّرَاعِ مِنَ الْعَضْدِ	حالت امام(ع) نسبت به پیامبر(ص) / حالت ساق دست نسبت به بازو	عقلی به حسی	تمثیل غیر ضمنی مرسل، مجمل
۷. ...تَخْرُجُ الْمَدْرَةَ مِنْ بَيْنِ حَبِّ الْحَصِيدِ	معاویه که در بین مؤمنان، عقایدشان را سست می‌کند/ دانه کلوخ در میان دانه‌های گندم	حسی به حسی	تمثیلی ضمنی

جدول ۹. بسامد انواع تشبیه در نامه ۴۵

بسامد این تکنیک به دوازده مورد می‌رسد و از این میان، تشبیه تمثیلی با نه مورد، از بیشترین بسامد برخوردار بوده، از مختصات سبکی این متن به شمار می‌آید. «به کار بردن تشبیه تمثیل برای تبیین موضوع، نشان از اهتمام و اصرار گوینده در تفهیم آن دارد» [۳، ص ۳۲-۳۳]. در این فراز «فَمَا خُلِقْتُ لِيشَعَلَنِي أَكُلُ الطَّيِّبَاتِ، كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ، هَمَّهَا عُلْفُهَا، أَوْ الْمُرْسَلَةُ شُعْلُهَا تَقْمُمُهَا» شاهد دو تمثیل غیر ضمنی هستیم که در مورد اول، انسان بی‌نیاز که به کامیابی از داشته‌هایش مشغول است، به حیوان پرواری تشبیه شده که تمام هم و غمش خوردن علف‌هایی است که برای او فراهم است؛ در مورد دوم نیز انسان نیازمند که در جستجوی لذایذ دنیایی به کمترین و پست‌ترین آن‌ها مشغول می‌گردد، به حیوان یله و رهایی تشبیه شده که به خوردن هر آنچه برایش میسر باشد، کفایت می‌کند؛ وجه مشابهت این دو تشبیه، اشتغال به امور پست و بی‌ارزش و غفلت از هدف اصلی است.

در فراز دیگری از نامه «ألا و إنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا...»، شاهد تمثیل‌های ضمنی متراکم و منسجمی هستیم که مقصود امام (ع) را به شکل مؤثر و متقنی ارائه می‌دهند؛ در این سه تشبیه ضمنی که توضیحشان به صورت مختصر در جدول آمده است، امام (ع) با تبیین قیاس‌های واضح و ارائه براهین قاطع، شبهه مذکور «إِذَا كَانَ هَذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنِ قِتَالِ الْأَقْرَانِ، وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ» را رد کرده، امکان توانمندی و استقامت بالای خویش را با وجود کمترین حد از امکانات و آذوقه، به اثبات می‌رسانند.

بسامد بالای تشبیهات حسی، نشان از اهتمام ویژه امام (ع)، در تبیین صریح حقایق و اقناع کامل مخاطب دارد؛ این نوع تشبیه که بیانگر نگرش عینی و تجربیات ساده خیال ادیب است، در مقام ذم، سطحی‌نگری مخاطب را تداعی می‌بخشد.

#### ۲-۴-۲. بررسی استعاره:

ردیف	نمونه‌ها	طرفین	نوع استعاره
۱	و تَثَبَّتْ عَلَيَّ جَوَانِبِ الْمَرْأَقِ	لغزشگاهی که پای عقل در آن می‌لغزد و به شهوات گرایش می‌یابد / زمین لغزنده که منجر به سقوط می‌شود.	مصرحه مرشحه (جوانب)
۲	أَوْ أُجْرُ حَيْلِ الضَّلَالَةِ	گمراهی / شتری که انسان طناب آن را به دنبال خود بکشد	مکنیه مرشحه (أَجْرُ)
۳	قَدْ انْسَلَّتْ مِنْ مَخَالِبِكِ	دنیا که انسان را به سمت هلاکت ابدی می‌کشاند / درنده‌ای تیز چنگال که شکارش را از پا در می‌آورد	مکنیه مرشحه (قد انسلت)
۴	أَفَلْتُ مِنْ حَبَائِلِكِ	دنیا که با آرزوهای خیالی دل انسان را می‌رباید / صیاد که با بندهای نامرئی، صید را شکار می‌کند	مکنیه مرشحه (أفلت)
۵	فَحَبْلُكَ عَلَيَّ غَارِبِكِ	دنیا که امام (ع) از آن رویگردان است / شتری یله که طنابش بر کوهانش افکنده شده باشد	مکنیه تمثیلیه
۶	و لَا أَسْلُسُ لَكَ فَتَقُودِيْنِي	تسلیم نشدن در برابر خواهش‌های دنیوی / رها نگذاشتن افسار	تصریحیه تبعیه مرشحه (فتقودینی)
۷	تَقَشَّعَتْ بِطُولِ اسْتِغْفَارِهِمْ دُنُوبَهُمْ	از بین رفتن گناهانی که مانع تابش انوار الهی بر جان انسان‌اند / پراکنده شدن ابرهائی که مانع تابش نور خورشیدند	تصریحیه تبعیه مجرد (استغفارهم)

جدول ۱۰. بسامد انواع استعاره در نامه ۴۵

امام (ع) با کاربست هفده موردی این صنعت سعی بر آن دارند با تجسم مفاهیم انتزاعی در برابر دیدگان انسان مادی‌گرا، هرگونه شک و تردید را از قلب وی زدوده، با هدف حقیقی خلقت آشنایش سازند: «مَنْ وَطِئَ دَحْضَكَ زَلِقَ وَ مَنْ رَكِبَ لُجْجَكَ غَرِقَ، وَ مَنْ ازورَّ عَنِ حَبَائِلِكَ وَفَّقَ». این عبارات حاوی صفات استعاری ناخوشایندی است که اطمینان و آرامش انسان دل‌باخته به لذات ناپایدار دنیا را سلب نموده، او را گرفتار ناامنی

و اضطراب می‌سازند؛ لذاتی که گاه به سراشیبی تند و لغزنده، گاه به دریایی موج و طوفنده و گاه به دامی ناپیدا و در هم تنیده تشبیه می‌شوند. در این نامه شاهد تنوع استعارات مفهومی و تعدد نگاشت‌های منتخب هستیم؛ پربسامدترین این استعاره‌ها از نگاشت اصلی «دنیا شیبی لغزان است»، منشعب شده‌اند: «و تَثْبُتَ عَلٰی جَوَانِبِ الْمَزْلَقِ»، «و اجْتَنَّبْتُ الذَّهَابَ فِي مَدَاحِضِكِ» و «مَنْ وَطِئَ دَحْضَكَ زَلِقَ». اما نگاشت‌های متفاوت دیگری نیز در این متن وجود دارند که از میزان انسجام و همبستگی خوشه‌های استعاری کاسته، تنوع و تعدد نگاشت‌ها را به دنبال دارند؛ زنده انگاشتن دنیا و تشبیهش به یک زن که علی‌رغم ظاهر زیبا و فریبنده‌اش، زیان‌های غیر قابل جبرانی را بر انسان تحمیل می‌کند؛ زیان‌هایی که هر عقل سلیمی را به طرد کردن او وا می‌دارد: «إِلَيْكَ عَنِّي يَا دُنْيَا»، «حَبْلُكَ عَلِي غَارِبِكِ»، «اعزُّبِي عَنِّي». لذا شاهدیم که چگونه امام (ع) به یاری آفرینش انبوهی از تصاویر استعاری زیبا و جذاب توانسته‌اند مخاطب را وارد دنیایی سرشار از معانی شفاف و احساسات خروشان سازند. قابل تأمل اینکه بسامد نه باره استعاره مرشحه، سطح ادبی و فنی متن را افزایش می‌دهد؛ چرا که در این نوع استعاره، ملائمت مشبه‌به، جانب تناسی تشبیه را تقویت نموده، ادعای یکسانی طرفین را تعمیق می‌بخشند و در نتیجه، بر بلاغت استعاره می‌افزایند.

## ۲-۴-۳. بررسی کنایه

ردیف	نمونه‌ها	مورد کنایه	نوع آرایه
۱	مَا تَقْضَمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ	کنایه از موصوف: خوراکی‌های دنیا	رمز
۲	فَحَبْلُكَ عَلِي غَارِبِكِ	کنایه از صفت: رهاکردن	رمز
۳	إِذْ لَا وَرْدَ وَلَا صَدْرَ	کنایه از صفت: فقدان چاره در گرفتاری‌ها	رمز
۴	قَدْ انْسَلَّتْ مِنْ مَخَالِبِكِ	کنایه از صفت: پارسایی و رهایی از بند دنیا	رمز
۵	و السَّالِمِ مِنْكَ لَا يِبَالِي	کنایه از موصوف: انسان رها از تعلقات دنیا	ایماء
	إِنْ ضَاقَ بِهِ مَنَاخُهُ	کنایه از موصوف: شرایط و احوال زندگی	رمز
۶	و هَجَرَتْ فِي اللَّيْلِ عَمَضُهَا	کنایه از صفت: شب‌زنده‌داری	رمز
۷	و تَجَافَتْ عَنْ مَضَاجِعِهِمْ جُنُوبَهُمْ	کنایه از صفت: عبادت شبانه	رمز

### جدول ۱۱. بسامد انواع کنایه در نامه ۴۵

بسامد این تمهید بیانی در نامه مورد بحث به هشت مورد می‌رسد که به انگیزه‌های مختلف همچون: رعایت توازن‌های آوایی، مبالغه، ایجاز، و در کل، حفظ ادبیت متن، به کار رفته‌اند؛ امام (ع) با مهارت و استادی هرچه تمام، برای انتقال معانی مورد نظر خویش

به‌جای زبان عادی گفتار، از بیان غیرمستقیم، بهره گرفته و در نتیجه، تأثیری بیش از تصریح، بر ذهن و قلب مخاطب بر جای گذاشته‌اند؛ چرا که مخاطب برای درک معنای اصلی و فهم مقصود، زمان و تلاش بیشتری را صرف می‌کند و بیشتر تحت تأثیر آن معنایی قرار می‌گیرد؛ از سوی دیگر، در کنایه، ذهن انسان از ملزوم به لازم منتقل می‌شود و با نوعی دلیل همراه می‌گردد و این خود بر قدرت تأثیرگذاری و اقناع مخاطب می‌افزاید. امام (ع) آن‌گاه که در باب دنیای فانی و شیوه تعامل با آن لب به سخن می‌گشایند، کلام را از رهگذر کنایه به اسلوبی دلکش و مؤثر آراسته، از ویژگی‌های این تمهید بیانی مانند ابهام، ایجاز، آشنایی‌زدایی و استدلال [۷، ص ۱۱-۱۲] بهره برده‌اند. به عنوان نمونه، در کنایه اول، امام (ع) لفظ «المقضم» را کنایه از لذایذ دنیا می‌آورند و با این گزینش، علاوه بر تحقیر دنیا، انسان غفلت‌زده را که همچون چهارپایی مشغول نشخوار غذاست، زیر بار ملامت گرفته، هوشیارش می‌سازند. در این فراز از نامه «فحبَلک علی غارِبک، قد انسلت من مَخَالِبک»، امام (ع) با کاربرد همزمان دو تمهید بیانی، یعنی استعاره و کنایه، بر ابهام کلام افزوده، ضمن رعایت سجع میان واژه‌های «غارب و مَخَالِب»، مضامین انتزاعی مورد نظر را به‌دور از منطق عادی گفتار، در اسلوبی کاملاً هنری و ظریف، تجسم بخشیده‌اند.

#### ۲-۴-۴. نتیجه کلی بررسی لایه بلاغی و واکاوی فکری - عقیدتی آن: هرچند

در این متن با گزینش‌های ادبی پر تعدادی برخورد می‌کنیم، اما این تمهیدات بیانی، فارغ از انگیزه‌های صرف ادبی، با هدف انتقال شفاف مفاهیم و افزایش توان تأثیرگذاری و اقناع، گزینش شده‌اند. به عنوان نمونه، کاربرد پر بسامد تشبیه تمثیلی، بدون توجه به رعایت اصل ایجاز از ادبیت متن کاسته، وجهه منطقی و برهانی بدان می‌بخشد. در صنعت استعاره نیز شاهد تنوع استعاره‌های مفهومی و تعدد نگاشت‌های منتخب هستیم که هرچند از میزان انسجام خوشه‌های استعاری می‌کاهد، اما مخاطب را به تأمل بیشتر وا داشته، زمان و تلاش بیشتری از وی را صرف واکاوی این استعاره‌های مفهومی می‌گرداند. این تصویرهای خیالی با تولید تعاملی دو سویه میان زبان مؤثر شعر و حقیقت واقع، دامنه تأثیرگذاری را دو چندان ساخته و سخن آی ای ریچاردز را که «راز تأثیر تصویرها، اندیشه نهفته در آن‌هاست» [۲۷، ص ۴۹]، تأیید می‌کنند.

#### ۳. نتیجه:

پس از شناسایی مختصات سبکی نامه مورد نظر، نتایج ذیل حاصل می‌آید:

- أ. امام علی (ع) از تمام امکانات زبانی اعم از آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی برای انتقال شیوا و مؤثر مفاهیم و اندیشه‌های غیر مادی بهره گرفته‌اند.
- ب. این گزینش‌های هدفمند، هم‌سو با بافت متن، از نظم‌ی ویژه و ساختی مستحکم برخوردار بوده، خطاب‌ی پویا و نقش‌مند و عتابی غیر مستقیم، اما مؤثر را تولید نموده‌اند.
- ج. نامه مورد نظر هرچند در قالب گفتمان کتبی تولید شده است، اما از خطابی مستقیم و موضوعاتی کلی برخوردار بوده، در جهت تبیین مؤثر و توجیه قانع‌کننده، علاوه بر کارکردهای آوایی، از راهبردهای زبانی ویژه در سطح واژگان و جملات و نیز تمهیدات بیانی اثرگذار بهره‌مند است.
- د. امام (ع) به دنبال قدرت‌نمایی ادبی نبوده‌اند؛ به تعبیر استاد مطهری، «امام (ع) سخن را برای خود سخن ایراد نکرده‌اند؛ سخن برای ایشان وسیله است، نه هدف»، دریچه‌ای است نو به روی اندیشه که برای تقویت دین و نجات انسان به کار رفته است.

## منابع

- [۱]. ابن جنی، أبو الفتح عثمان (۱۹۹۰). الخصائص. تحقیق: محمد علی النجار، بغداد، دار الشؤون الثقافیه.
- [۲]. علاوی، نزیه (۱۹۹۹). اللغة العربیه: دراسه نظریه و تطبیقیه. الأردن، دار الکندی.
- [۳]. الهامی، داوود (۱۳۷۹). دنیای نهج البلاغه، قم، انتشارات مکتب اسلام.
- [۴]. جبرو، بیبر (۱۹۹۴). الأسلوبیه. مترجم: منذر عیاشی، الطبعة الثالثه، بیروت، مرکز الانماط الحضاری.
- [۵]. الحوفی، أحمد محمد (۱۹۷۷). بلاغه الإمام علی (ع). القاهرة، دار نهضة مصر.
- [۶]. الخوالده، فتحی (۲۰۰۶). تحلیل الخطاب الشعری. الأردن، المركز الثقافی العربی.
- [۷]. ده‌مرده، حیدر علی و دیگران (۱۳۸۶). «کنایه، لغزان‌ترین موضوع در فن بیان». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۲، صص ۱-۲۷.
- [۸]. الرافعی، مصطفی صادق (۲۰۰۸). إعجاز القرآن و البلاغه النبویه. القاهرة، موسسه المختار.
- [۹]. زارعی فر، ابراهیم (۲۰۱۲). «الموسیقی فی الشعر الإجتماعی عند حافظ ابراهیم». مجله الجمعیه العلمیه ایرانیه للغه العربیه و آدابها، المجلد الثالث، العدد الثانی، ۷، صص ۲۳-۳۹.
- [۱۰]. سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸). درس‌های زبان‌شناسی همگانی. گردآوری: آلبرت سشنه و چارلز بالی، مترجم: نازیلا خلخالی، تهران، فرزانه.
- [۱۱]. السید، شفیع (۱۹۸۶). الإتجاه الأسلوبی فی النقد الأدبی. القاهرة، دارالفکر العربی.
- [۱۲]. الشائب، أحمد (۱۹۵۶). الأسلوب: دراسه بلاغیه تحلیلیه لأصول الأسالیب الأدبیه. الطبعة الرابعه، القاهرة، مکتبه النهضة المصریه.
- [۱۳]. شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل نشانه معناساختی گفتمان. چاپ سوم، تهران، سمت.
- [۱۴]. شمیسا، سیروس (۱۳۶۸). عروض و قافیه. تهران، دانشگاه پیام نور.

- [۱۵]. صفوی، کوروش (۱۳۸۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- [۱۶]. طالبیان، یحیی (۱۳۷۸). *صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی*. کرمان، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی.
- [۱۷]. عبدالله، محمد فرید (۲۰۰۸). *الصوت اللغوی و دلالاته فی القرآن الکریم*. بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- [۱۸]. عهدود، عبد الواحد (۱۹۹۹). *أسوره المدنیه دراسه بلاغیه و أسلوبیه*، الأردن، دار الفكر.
- [۱۹]. غریب، رز (۱۳۷۸). *نقد بر مبنای زیبایی‌شناسی و تأثیر آن در نقد عربی*. مترجم: نجمه رجائی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- [۲۰]. فتوحی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران، سخن.
- [۲۱]. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). *دستور مفصل امروز*. تهران، انتشارات سخن.
- [۲۲]. فضل، صلاح (۱۹۹۲). *بلاغه الخطاب و علم النص*. الكويت، سلسله کتب ثقافیه شهریه یصدها المجلس الوطنی للثقافه و الفنون و الآداب.
- [۲۳]. \_\_\_\_\_ (۱۹۹۸). *علم الأسلوب: مبادئه و إجراءاته*. القاهره، دار الشروق.
- [۲۴]. لیدی، محمد سمیر (۱۹۸۸). *معجم المصطلحات النحویه و الصرفیه*. عمان، دار الفرقان.
- [۲۵]. المسدی، عبدالسلام (۲۰۰۶). *الأسلوبیه و الأسلوب*. الطبعه الخامسه، بیروت، دار الكتاب الجدیده المتحدہ.
- [۲۶]. الموسوی، مناف مهدی محمد (۱۹۹۸). *علم الأصوات اللغویه*. بیروت، عالم الکتب.
- [۲۷]. ولک، رنه (۱۹۷۸). *مفاهیم نقدیه*. مترجم: محمد عصفور، کویت، منشورات المجلس الوطنی للثقافه و الفنون و الآداب.